

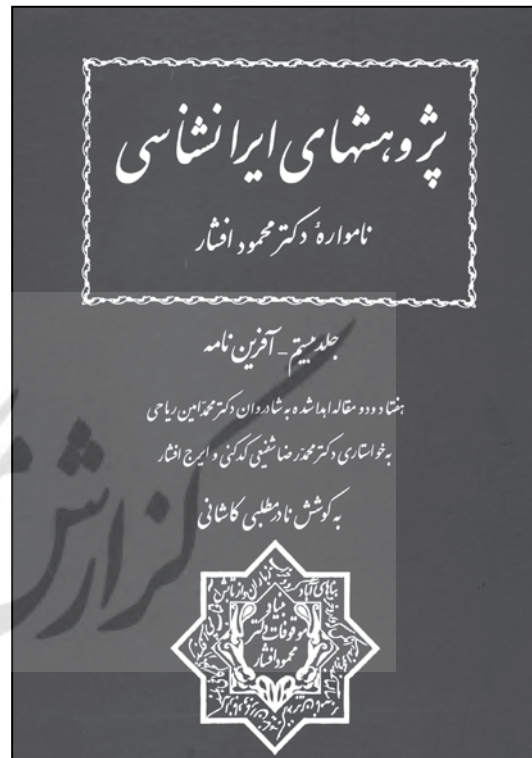
جشن نامه‌ای که یادنامه شد

الوند بهاری*

پایتخت پی گرفت. در دانشسرای مقدماتی شاگرد اول شد و به دانشسرای عالی راه یافت. همزمان در دو رشته ادبیات فارسی (در دانشگاه تهران) و علوم تربیتی (در دانشسرای عالی) دوره لیسانس را سپری کرد و در دوره دکتری ادبیات فارسی از محضر بزرگانی همچون بدیع‌الزمان فروزانفر، محمدتقی بهار (ملک الشعراء)، احمد بهمنیار، ابراهیم پورداوود و دکتر محمد مقدم برخوردار بود. این دوره را با دفاع از رساله‌اش، تصحیح مرصادالعباد نجم‌رازی، به پایان برد. نقل است که مرحوم دکتر محمد معین، در جلسه دفاع، گفته بود: «این رساله نیست. یک کتابخانه است.» مرصادالعباد چند سال بعد در هیئت کتاب منتشر شد^۱ و همچنان نمونه‌اعلامی تصحیح عالمانه است. تعلیقات دکتر ریاحی بر آن نیز در بسیاری موارد گره از کار پژوهندگان ادب فارسی می‌گشاید.

دکتر ریاحی در خرداد ۱۳۴۰ مدیریت اداره نگارش وزارت فرهنگ را، با هدف اصلاح اوضاع کتاب‌های درسی، پذیرفت و با تلاش طاقت‌فرسا آشفته‌بازار کتاب‌های درسی دبیرستان‌ها را سامان داد. چند سالی رایزن فرهنگی ایران در ترکیه بود و مدتی نائبرئیس بنیاد فرهنگ ایران و سرپرست دانشکده هنرهای دراماتیک. پس از درگذشت مجتبی مینوی (بهمن ۱۳۵۵) ریاست «بنیاد شاهنامه» را نیز برعهده گرفت و با کوشش خود نخستین مجمع علمی بحث درباره شاهنامه را در روزهای بیست و سوم تا بیست و هفتم آبان ۱۳۵۶ با شرکت شاهنامه‌شناسان بنام از داخل و خارج کشور در بندرعباس برگزار کرد.

ریاحی پس از بازنشستگی بیشتر به تحقیق و تألیف پرداخت. ثمره تلاش او در سه دهه پایانی زندگی، تصحیح متونی همچون نزهة المجالس، رتبة الحیات، رسالة الطیور



پژوهش‌های ایرانشناسی (نامواره دکتر محمود افشار)، جلد بیستم: آفرین نامه (هفتاد و دو مقاله اهداشده به شادروان دکتر محمدامین ریاحی)، به خواستاری دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی و ایرج افشار، به کوشش نادر مطلبی کاشانی، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۹۰، ۹۹۲ ص، ۱۸۰۰۰ تومان.

محمدامین ریاحی (یازدهم خرداد ۱۳۰۲ - بیست و پنجم اردیبهشت ۱۳۸۸) بزرگمردی است که خدماتش به ایران و تاریخ و فرهنگ و ادب آن را به هیچ‌روی نادیده نمی‌توان گرفت. او تحصیل را در زادگاهش، خوی، آغاز کرد و در

* دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات فارسی، دانشگاه تهران.

۱. مرصادالعباد [من المبدأ الی المعاد]، تألیف نجم‌الدین رازی (معروف به دایه)، به اهتمام محمدامین ریاحی، چاپ اول. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲.



«نکاتی در باب مقدمه داستان اشکانیان در شاهنامه» (محمود امیدسالار)، «راه یافتن یک گشتگی زشت در چاپ‌های شاهنامه» (جلال خالقی مطلق)، «بابی از این کتاب نگارین؛ در سرداشتن و چند نکته دیگر در گلستان» (محمد دهقانی)، «نکاتی چند درباره شعر نو فارسی» (احمد سمعی گیلانی)، «بنداری اصفهانی، مترجم شاهنامه» (محمد رضا شفیعی کدکنی)، «اشعاری تازه از لامعی دهستانی» (علی اشرف صادقی)، «یادداشتی درباره جان جهان» (نجیب مایل هروی)، «قصه‌های بهرام گور در شاهنامه» (کتایون مزداپور)، «نگاهی دوباره به شعر کسایی مروزی» (مریم مشرف) و «رودکی و خیام» (محمد جعفر یاحقی) برخی از مقالات این بخش را تشکیل می‌دهند.

بخش دوم کتاب به «گفتارهای تاریخی» اختصاص یافته و شامل ۲۱ مقاله است؛ از جمله «توصیف بازار و اصناف قزوین» (احسان اشراقی)، «مرثیه مرسیه» [تاریخ تلگراف در ایران] (محمد ابراهیم باستانی پاریزی)، «ایرستان» (حبیب برجیان)، «حدود ختن - تاجیکان چین» (منوچهر ستوده) و «میرزا صالح خان آصف‌الدوله تبریزی باغمیشه‌ای» (محمد دبیرسیاقی).

۱۶ مقاله در باب «عرفان و تصوف» در بخش سوم کتاب آمده است؛ از جمله «نقد هجویری بر کار صوفیان» (محمد استعلامی)، «خرقه مرقع» (مهران افشاری)، «چیستی و چرایی شعریت نثرهای عرفانی» (رضا انزلی نژاد)، «گلشن راز شیخ محمود شبستری» (عبدالباقی گولپینارلی، ترجمه توفیق سبحانی) و مقالاتی درباره زندگی و آثار عارفانی همچون خواجه یوسف همدانی (پرویز اذکائی)، برهان‌الدین محقق ترمذی (شیرین بیانی)، حاتم اصم (منیژه پورنعمت رودسری)، شاه بن شجاع کرمانی (فرانک جهانگرد) و حارث بن الاسد المحاسبی (فریدالدین رادمهر).

بخش چهارم کتاب شامل ۵ مقاله است در حوزه «ایران باستان»؛ مقالاتی از ژاله آموزگار، تورج دریائی، هوشنگ دولت‌آبادی، عبدالرحمن عمادی و یوسف محسن اردبیلی. در بخش پنجم نیز ۵ مقاله مربوط به «زبان فارسی» آمده است: «ویژگی ترکیبی زبان فارسی» (حسن احمدی گیوی)، «زبان فارسی افزون‌تر از یک زبان» (محمد علی اسلامی ندوشن)، «تجربه‌های فرهنگ‌نویسی» (حسن انوری)، «اولین ترجمه

و معرفه‌الأسطرلاب، تدوین اشعار کسایی مروزی و تألیف مقالاتی ارزنده، بخصوص در حافظ پژوهی، و کتاب‌ها و مقالاتی درباره فردوسی و شاهنامه است.

آفرین‌نامه قرار بوده است «به منظور پاسداشت خدمات» دکتر ریاحی فراهم آید و «به ایشان تقدیم» شود. ظاهراً در سال ۱۳۸۱، استادان گرانقدر، ایرج افشار و محمد رضا شفیعی کدکنی، برای شماری از دانشمندان و پژوهشگران نامه‌ای می‌فرستند و از آنان دعوت می‌کنند مقالات خود را «تا آخر بهار ۱۳۸۲» برای درج در این مجموعه بفرستند. خواستاران جشن‌نامه این را هم در فراخوان ذکر کرده بودند که «تا زمانی که مجموعه آماده تقدیم به ایشان خواهد بود دیگری را از تهیه‌شدن این مجموعه آگاه نفرمائید» تا، به قول استاد افشار، طبق «آداب تقدیم کردن این گونه ارمغان‌های ادبی» همچون «تحفه‌ای نادانسته» باشد و دکتر ریاحی را غافلگیر و شادمان سازد؛ اما برای گردآوری مقالات و آماده‌سازی کتاب زمانی بیش از آنچه انتظار می‌رفت، سپری شد و در این مدت خود دکتر ریاحی نیز ظاهراً از ماجرا خبردار شده بود.

استاد افشار، سه سال پیش، در «تازه‌ها و پاره‌های ایران‌شناسی» (۵۹)، یادداشتی در باب آفرین‌نامه نوشتند و ضمن اعلام خبر انتشار قریب‌الوقوع این مجموعه، فهرست ۹۲ مقاله فارسی و دو مقاله انگلیسی مندرج در آن و نام نویسندگان آنها را منتشر کردند (بخارا، شماره ۶۶، مرداد و شهریور ۱۳۸۷، صص ۲۰۸-۲۱۵).

از آن زمان هم دو سالی گذشت تا سرانجام آفرین‌نامه با ۷۲ مقاله منتشر شد. از مقایسه فهرست قبلی با فهرست کتاب، چنین برمی‌آید که صاحبان بسیاری از مقالات - لابد به علت تأخیر در انتشار این کتاب - مقاله خود را از این مجموعه حذف کرده و در جایی دیگر به چاپ رسانده‌اند. برخی مقاله‌ها هم، پیش از انتشار آفرین‌نامه، در کتاب یا مجله‌ای چاپ و اینک دوباره منتشر شده‌اند. از برخی پژوهشگران نیز مقاله‌ای متفاوت با آنچه در فهرست مندرج در یادداشت استاد افشار آمده بود، به چاپ رسیده است.

باری، در بخش‌های شش‌گانه کتاب، مقالاتی پربار و ارزشمند گرد آمده است. بخش اول (گفتارهای ادبی) شامل ۲۲ مقاله است؛ «غزلیات نویافته از حریف جندقی» (سید علی آل داود)، «گزینة قطران تبریزی» (احمد اداره‌چی گیلانی)،



یک منظومه فارسی به فرانسه» (فرانسیس ریشار، ترجمه ع. روحبخشان) و «که های موصول در فارسی میانه» (تیمور قادری).

سه مقاله پایانی کتاب در بخش ششم، «هنر و منطق»، آمده است؛ «علی رضا عباسی» (قمر آریان)، «تاریخچه مینیاتور و مکتب تهران» (عبدالعلی ادیب برومند) و «جهت در منطق» (عبدالله انوار).

در این مجموعه همچنین مقالات بزرگانی چون استادان ایرج افشار، همایون صنعتی زاده، سیدجعفر شهیدی و محمد خوانساری آمده است که شوربختانه، همچون دکتر ریاحی، پیش از انتشار آفرین نامه رخت از این جهان بر بسته بودند. هدف خواستاران آفرین نامه، تقدیم مجموعه‌ای از مقالات ارزنده به استاد ریاحی بوده است. از این روی، حاصل کار با عموم جشن نامه‌ها و یادنامه‌ها متفاوت است. بدیهی هم هست که وقتی مجموعه به کسی تقدیم می‌شود که از تدوین آن بی‌خبر است، نه مصاحبه مفصلی با او می‌توان کرد و نه عکس‌ها و اسناد سال‌های دور و نزدیکش را می‌شود گرفت و چاپ کرد و تا زمانی که مجموعه‌ای مفصل در شناخت ایشان و آثارشان تدوین و منتشر نشده است، باید به کتاب زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی زنده‌یاد استاد دکتر محمدامین ریاحی (انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۹) بسنده کرد. با این همه، سالشمار زندگی و فهرستی از مقاله‌ها و کتاب‌های ایشان — به ترتیب تاریخی — را آقای مطلبی کاشانی تنظیم کرده و در آغاز کتاب آورده است و از آنجا که این مجموعه، بخصوص این سالشمار، مرجع پژوهشگران تواند بود، توضیح و اصلاح چند نکته ضروری به نظر می‌رسد؛

نخست آن که به جای تاریخ درگذشت استاد (۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۸)، تاریخ تشییع و تدفین پیکر ایشان (۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۸) ثبت شده است. در فهرست مقاله‌ها هم نام و نشان چند مقاله دکتر ریاحی از قلم افتاده است؛ از آن جمله است مقاله «پژوهشی تازه درباره زبان مردم آذربایجان» که تقریظی بوده است بر کتاب جستارهایی درباره زبان مردم آذربایگان (بنیاد موقوفات دکتر محمودافشار، ۱۳۷۹) و در مجله بخارا (شماره هفدهم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۰، صص ۲۴۷-۲۵۲) نیز چاپ شده است.

دیگر آن که مقالات ۱۳-۱۵ این فهرست (یادداشت‌هایی

در نقد و بررسی سه کتاب)، در مجله یغما (۱۳۴۹) بدون نام نویسنده — اعم از نام واقعی یا مستعار — چاپ شده است. بر من معلوم نیست این سه یادداشت را بر چه اساس نوشته دکتر ریاحی دانسته‌اند. این قدر هست که یکی از آنها (معرفی مفتاح‌المعاملات) را به هیچ وجه دکتر ریاحی نمی‌تواند نوشته باشد؛ زیرا بسیار بعید است که کسی بر کتابی که خودش تصحیح کرده است، نقد بنویسد؛ بخصوص که در سراسر آن نوشته از فضل و دقت و کاردانی دکتر ریاحی — البته بحق — سخن رفته است و بزرگمردی وارسته همچون محمدامین ریاحی را حاجت به خودستایی نیست.

جالب‌تر آن که، در همان دوره بیست و سوم یغما، دو یادداشت نقد و بررسی کتاب هم هست که بالای هر کدام — و نیز در فهرست مطالب — به صراحت نام دکتر ریاحی آمده است؛ یکی «مجموعه آثار فارسی سهروردی» (یغما، دوره ۲۳، شماره پنجم، صص ۳۰۸-۳۱۰) و دیگری «همای و همایون» (همان، شماره ششم، صص ۳۷۸-۳۸۱) که این هر دو را باید به فهرست مقالات ایشان افزود.

استاد ریاحی مقاله‌ای هم با عنوان «در بزرگداشت مولوی در قونیه» نوشته‌اند که ظاهراً اول بار در کتاب چهل گفتار در ادب و تاریخ و فرهنگ ایران (صص ۲۵۳-۲۶۳) چاپ شده است. این مقاله شامل متن سخنرانی ایشان در قونیه (۱۳۴۵) و نیز حاوی اشاراتی به اوضاع آن سال‌ها در قونیه و تلاش دولت و مردم ترکیه برای مصادره مولانا است؛ که از نظر تاریخی اهمیت بسیار دارد و نمودار گوشه‌ای از خدمات ملی دکتر ریاحی — در مقام رایزن فرهنگی ایران در ترکیه — است. چه بسا مقالات دیگری هم از قلم افتاده باشد.

درباره دو کتاب آخر ایشان نیز سه‌و‌هایی رخ داده است؛ یکی در عنوان کتاب چهل گفتار در ادب و تاریخ و فرهنگ ایران، که «چهل گفتار در تاریخ و فرهنگ ایران» ثبت شده است و دیگر، کتاب پایداری حماسی، که آن هم منتخبی است از مقالات ایشان که انتشارات مروارید — در همان سال ۱۳۷۹ — چاپ و منتشر کرده است، و در این فهرست نیامده.

با نگاهی گذرا به متن مقاله‌ها، معلوم شد در بسیاری از آنها نام خانوادگی استاد را «امین ریاحی» ثبت کرده‌اند. چنانکه از زبان بسیاری بزرگان هم شنیده‌ام که می‌گویند «دکتر امین ریاحی»؛ حال آنکه طبق اسنادی که دیده‌ام نام ایشان

و فرهنگ ایران) یا دربارهٔ افرادی است که ایشان عمر گرانیجه را صرف تحقیق در آثار و احوال آنان کردند (از جمله حافظ، کسایی مروزی و خواجه یوسف همدانی) و البته در آن یکسره سخن از زبان فارسی است و ایران‌زمین، که استاد عمری را در کار عشق به این هردو کردند.

کاش دکتر ریاحی کتاب را می‌دیدند و با شادمانی از لطف شاگردان و همکاران و یاران، اندکی از تلخی سال‌ها بی‌مهتری را از یاد می‌بردند. باید سپاسگزار دکتر شفیعی کدکنی، استاد ایرج افشار، نادر مطلبی کاشانی و دیگرانی بود که به این کار همت گماشتند. با آرزوی شادی روح دکتر ریاحی و استاد افشار و تندرستی برجای ماندگان بی‌مانند آن نسل تکرارناشدنی سخن را به پایان می‌برم.

«محمدامین» و شهرتشان «ریاحی» بوده است. این نکته، خواه حاصل سهو حروفچین در کاربرد «نیم‌فاصله» باشد، خواه ناشی از سهو نویسندگان، خطای کوچکی نیست و شایسته نیست در مجموعه‌ای ۱۰۰۰ صفحه‌ای که تقدیم ایشان شده است، بارها نامشان نادرست ثبت شده باشد.

در همان مرور اجمالی، فراوانی خطاهای مطبعی — به ویژه در نقل ابیات فارسی و عربی — هم جلب توجه می‌کند و خوب است در چاپ‌های بعدی این موارد نیز، حتی المقدور، اصلاح شود.

با این همه، تردیدی نیست که آفرین‌نامه از پربارترین مجموعه‌هایی است که در این سال‌ها دیده‌ایم و حق هم همین بود که برای دکتر ریاحی چنین هدیه‌ای فراهم آید؛ مجموعه‌ای که بسیاری مقالاتش مرتبط با حوزه تحقیقات دکتر ریاحی (از جمله شاهنامه‌شناسی، عرفان و تصوف و تاریخ

تمدید مهلت فراخوان ارسال مقالات

برای اقتراح در موضوع کتاب‌سازی و پخته‌خواری

با توجه به استقبال دور از انتظار خوانندگان محترم مجله و پژوهشگران و نویسندگان از فراخوان مقاله‌نویسی در موضوع کتاب‌سازی و پخته‌خواری، مهلت ارسال مقاله برای شرکت در این نظرآزمایی تا پایان سال جاری تمدید شد.

همان‌گونه که پیش‌تر هم به آگاهی رسانده بودیم، مرکز پژوهشی میراث مکتوب بنا دارد در اقتراحی عمومی به بررسی ریشه‌ها و عوامل پدیدهٔ زشت کتاب‌سازی و پخته‌خواری — که از آسیب‌های فرهنگی روزگار ماست — بپردازد. در این راستا از اوایل سال جاری نوشته‌های بسیاری در قالب خاطره، مقاله، نقد و... به دستمان رسیده و مصاحبه‌های متعددی هم با نویسندگان، مترجمان و صاحب‌نظران علوم انسانی در این باره انجام شده است که مجموعهٔ این مطالب در یکی از شماره‌های نشریهٔ گزارش میراث در آغاز سال آینده منتشر خواهد شد. علاقه‌مندان به شرکت در این نظرآزمایی می‌توانند نوشته‌های خود را با رعایت موازین اخلاقی نگارش و حفظ حیثیت اشخاص تا پایان امسال از طریق نامه (به نشانی تهران، خیابان انقلاب، بین خیابان دانشگاه و ابوریحان، ساختمان شمارهٔ ۱۸۲، طبقهٔ دوم)، پست الکترونیک (به نشانی info@mirasmaktoob.ir) یا دورنگار (به شمارهٔ ۰۲۱۶۶۴۰۶۲۵۸) ارسال نمایند.

مرکز پژوهشی میراث مکتوب

